



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال سیزدهم، شماره‌ی ۲۵، نیمه‌ی اول ۱۳۹۷

اثرات کارایی بانکی و انضباط پولی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران*

اسمعیل ابونوری*

علیرضا کاشفی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

چکیده:

خروج از رکود و ورود به مسیر رشد اقتصادی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران است. با توجه به مرور ادبیات مدل‌های مختلف در زمینه رشد اقتصادی، توسعه بخش مالی همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی است. توسعه مالی در اقتصاد ایران بانک محور است. بنابراین، فعالیت بانک‌ها بصورت کارا و سیاست‌های بانک مرکزی با توجه به انضباط مالی می‌تواند در رشد اقتصادی استان‌ها مؤثر بوده و بلعکس عملکرد نادرست و ناسالم آن‌ها نیز می‌تواند بحران‌های اقتصادی در جامعه ایجاد کند. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از یک مدل رشد درونزا، بویژه با تأکید بر تجزیه تحلیل نسبت‌های مالی، اثر کارایی بانک‌ها و انضباط پولی (درواقع عدم انضباط پولی) بر رشد اقتصادی استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ (جدیدترین داده‌های قابل دسترسی) بوسیله مدل پنل دیتا برآورد و تفسیر گردد. نتایج این مطالعه با استفاده از روش اثرات ثابت حاکی از این است که متغیرهای توضیحی الگو شامل کارایی بانک‌ها، بی‌انضباطی پولی، کیفیت دارایی بانک‌ها، درصد باسوادی، ضریب جینی و شاخص فلاکت اثر منفی و معنی‌دار، درحالی‌که شاخص بهره‌وری نیروی کار و موجودی سرمایه اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی استان‌های ایران داشته است.

واژگان کلیدی: کارایی بانکی، انضباط پولی، رشد اقتصادی، مدل پنل دیتا، ایران

طبقه بندی JEL: C23, O40, E42, G21

*- این مقاله از رساله دکترای علیرضا کاشفی با عنوان « اثر کارایی بانک‌ها بر رشد اقتصادی ایران برحسب استان‌ها با استفاده از مدل اقتصادسنجی فضایی تابلویی » تحت راهنمایی دکتر اسمعیل ابونوری در دانشگاه سمنان استخراج شده است.

** - استاد اقتصادسنجی و آمار اجتماعی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان، سمنان-ایران (esmaiel.abounoori@semnan.ac.ir)

** - دانشجوی دکترای اقتصاد گروه اقتصاد دانشگاه سمنان، سمنان-ایران (alirezakashefi@semnan.ac.ir)

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف مقوله رشد و توسعه اقتصادی است بر این اساس همه کشورها حداکثر توان خود را برای رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر به کار می‌برند اما پس از سالیان متمادی بر سر عوامل مؤثر و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، بین علمای اقتصاد اختلاف نظر وجود دارد. یکی از مباحث جنجالی در بحث اقتصاد توسعه، چگونگی اثرگذاری بازارهای مالی بر روی رشد اقتصادی است. لذا در تئوری‌های ارائه‌شده توسط اقتصاددانان ارتباط پیچیده‌ای بین توسعه‌ی بخش مالی و رشد اقتصادی عنوان شده است و در چگونگی، جهت و میزان ارتباط آن‌ها با هم اختلاف نظرهای عمده و اساسی مشاهده می‌گردد (اکس^۱، ۲۰۰۱). بر این اساس با توجه به ابهام و اختلاف نظر در چگونگی تأثیرگذاری بخش مالی بر رشد اقتصادی در این پژوهش سعی شده است جهت بررسی ابهامات مذکور، با استفاده از زیرشاخه معیارهای سلامت بانکی^۲ و از دیدگاه نهاد سیاست گذار پولی، کارایی بانک‌ها با روش تجزیه و تحلیل نسبت‌ها مالی و بر حسب سرجمع اطلاعات استانی بانک‌ها محاسبه گردد و میزان اثر کارایی بانک‌ها و بی‌انضباطی پولی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران مورد بررسی قرار گیرد و فرضیه‌های زیر آزمون گردد:

❖ کارایی بانک‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد.

❖ بی‌انضباطی پولی اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌های ایران دارد.

در این مطالعه از داده‌های ۳۰ استان کشور به استثنای استان البرز در دوره زمانی^۳ ۱۳۸۵-۱۳۹۳ استفاده شده است.

^۱ - Oks

^۲ - Bank Health Indicators

^۳ - لازم به ذکر است در زمینه افزایش دوره زمانی و به روزتر شدن اطلاعات از طریق مراجعه به مرکز آمار و ملاقات حضوری با مسئولین مختلف اقدامات مقتضی صورت گرفت که پس از پی‌گیری زیاد و دریافت آمار ارزش افزوده استانی سال ۱۳۹۴ مشخص شد که ارقام سال ۹۰ تا ۹۴ با تجدید نظر و بر اساس جدول داده ستانده سال ۹۰ تولید شده است و اعداد این جدول با ارقام جدول داده ستانده سال ۱۳۸۰ به دلیل تغییر گروه بندی‌ها و استفاده از ورژن جدید جدول داده ستانده‌ها قابل مقایسه نبوده و امکان استفاده از اطلاعات این دو جدول به صورت سری زمانی امکان پذیر نمی‌باشد و هرگونه تجزیه و تحلیل با تجمیع ارقام دو جدول ارائه شده در سایت مرکز آمار از لحاظ اقتصادسنجی اشتباه بوده و قابل تحلیل و استناد نمی‌باشد. لذا متأسفانه امکان اضافه نمودن سال ۹۴ به اطلاعات این مقاله میسر نشد.

۲. مروری بر مبانی نظری و تجربی

مروری بر تاریخچه رشد اقتصادی نشان می‌دهد که آدام اسمیت از پیش‌تازان این حوزه می‌باشد و بعد از وی، دیوید ریکاردو^۱، رمزی^۲ و ون نیومن^۳ موجب توجه بیشتر اقتصاددانان به مقوله رشد اقتصادی شدند. در ادامه دو تن از علمای اقتصاد به نام هارود^۴ (۱۹۳۹) و دومار^۵ (۱۹۴۶) نیز سعی نمودند تحلیل‌های کینزی را با عوامل رشد اقتصادی ترکیب نمایند و مدل جدیدی را با نام رشد هارود و دومار به نظام‌های اقتصادی معرفی کنند (محمد زاده اصل، ۱۳۸۱). بعد از ارائه تئوری رشد هارود و دومار در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ اقتصاددانانی مثل سولو^۶ و سوان^۷ (۱۹۵۶)، کاس^۸ و کوپمانز^۹ (۱۹۶۵) و رابرت سولو با معرفی نظریه رشد برونزا یا رشد نئوکلاسیکی بر اهمیت نقش موجودی سرمایه و انباشت سرمایه فیزیکی^{۱۰} تأکید نمودند و موجب آشکار شدن تاثیر رشد فناوری به عنوان عامل نهایی در رشد اقتصادی پایدار^{۱۱} شدند. (درگاهی و قدیری، ۱۳۸۲). با توجه به ضعف اساسی الگوهای رشد نئوکلاسیک^{۱۲} در پیش‌بینی الگو، یکسان در نظر گرفتن نرخ رشد برای همه اقتصادها و عدم تبیین پیشرفت‌های فنی، در اوایل دهه ۱۹۸۰ دو اقتصاددان به نام‌های پل رومر^{۱۳} و رابرت لوکاس^{۱۴} با تأکید بر اقتصاد اندیشه‌ها^{۱۵} و سرمایه انسانی و معرفی اقتصاد فناوری، به پیشرفت‌های نظری

¹ - David Ricardo

² - Ramsey

³ - Von Neumann

⁴ - Roy Harrod

⁵ - Evsey David Domar

⁶ - Robert Solow

⁷ - Sowan

⁸ - Cass

⁹ - Koopmans

¹⁰ - Accumulation

¹¹ - Sustained Economic Growth

¹² - Neoclassical growth model

¹³ - Paul Romer

¹⁴ - Robert Lucas

¹⁵ - Economic of Ideas

جدیدی در زمینه رشد اقتصادی دست یافتند. که این نظریات توسط رابرت بارو^۱ به صورت کمی درآمد و در دهه ۱۹۹۰ این ادبیات جدید رشد، به نام تئوری رشد درونزا معرفی گردید که بر اساس آن پیشرفت تکنولوژی، برونزا نبوده بلکه تابعی از سرمایه انسانی و نیز فعالیت‌های تحقیق و توسعه است به گونه‌ای که عوامل تأثیرگذار بر آن از درون اقتصاد، مکانیزم رشد درونزا را شکل می‌دهند (محمدی، ۱۳۸۳). با معرفی مدل رشد درونزا، دریچه جدیدی برای تحقیقات گسترده در زمینه عوامل تأثیرگذار و بحث برانگیز بر رشد اقتصادی از جمله چگونگی اثرگذاری بخش توسعه مالی بر رشد اقتصادی گشوده شد و پژوهش‌های مختلف، یک رابطه علی از سوی توسعه مالی بر رشد اقتصادی را نشان داد. از بعد تاریخی اقتصاددانان زیادی از جمله باقهت^۲ (۱۸۷۳)، اسپامپتر^۳ (۱۹۱۱)، هیکز^۴ (۱۹۶۹)، گرین وود و جوانوویچ^۵ (۱۹۹۰)، کینگ و لوین^۶ (۱۹۹۳)، جاپلی و پاگانو^۷ (۱۹۹۴)، گال توپچ^۸ (۱۹۹۶)، راجان و زین گالس^۹ (۱۹۹۸) در مورد چگونگی رابطه بین توسعه بخش مالی و رشد اقتصادی بحث نموده‌اند (اکس، ۲۰۰۱). برای مثال اولین بار شومپتر^{۱۰} (۱۹۱۱)، استدلال نمود که خدمات مالی فراهم شده بوسیله واسطه‌های مالی شامل به جریان انداختن پس اندازها، ارزیابی پروژه‌های اقتصادی، مدیریت ریسک، نظارت بر عملکرد مدیران و تسهیل مبادلات، از ضروریات نوآوری‌های فنی و توسعه اقتصادی است. بر عکس، لوکاس^{۱۱} (۱۹۸۸) معتقد بود که اصولاً "بخش های مالی در ایجاد رشد اقتصادی مهم و تأثیرگذار نیستند (جعفری صمیمی و کاردرگر، ۱۳۸۶). با توجه به دیدگاه های متفاوت فوق، می توان نتیجه گرفت

¹ -Robert Barro

² -Theory of Endogenous Growth

³ - Bagehot

⁴ - Schumpeter

⁵ - Hicks

⁶ - Greenwood , Jovanovich

⁷ - King , Levine

⁸ - Jappelli , Pagano

⁹ - Galetovic

¹⁰ - Rajan , Zingales

¹¹ -Schumpeter

¹² -Lucas

که نظریه‌های مطرح شده توسط علمای اقتصاد در زمینه ارتباط توسعه بخش مالی با رشد اقتصادی در جهت و میزان ارتباط با هم اختلاف اساسی دارند. در مدل‌های سنتی رشد به خصوص مدل سولو، توسعه مالی از هردو روش سرمایه فیزیکی سرانه و افزایش میزان بهره‌وری بر درآمد سرانه مؤثر است اما در بلندمدت بر رشد اقتصادی اثرگذار نیست از سوی دیگر مطالعات اقتصاددانانی از قبیل گلداسمیت^۱ (۱۹۶۹)، شاو^۲ (۱۹۷۳) و مکینون^۳ (۱۹۷۳)، وجود یک همبستگی مثبت بین رشد اقتصادی و توسعه مالی را تأیید می‌کند (نیلی و راستاد، ۱۳۸۱). لوین^۴ (۱۹۹۷) در بیان نظری رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی، دو کانال عمده شامل تقویت انباشت سرمایه و بهبود فن‌آوری را برای اثرگذاری توسعه مالی بر رشد اقتصادی در نظر می‌گیرد. بنابراین بر اساس دیدگاه نظری لوین، یکی از کارکردهای اساسی توسعه مالی، هموارتر کردن مسیر تخصیص بهینه منابع و همچنین افزایش جریان تبدیل منابع پس‌انداز به مخارج سرمایه‌گذاری می‌باشد. همچنین برخی از اقتصاددانان معتقدند تفاوت اقتصادهای توسعه یافته و توسعه نیافته نه در تکنولوژی پیشرفته، بلکه در وجود بازارهای مالی یکپارچه، فعال و گسترده است (احسانی و همکاران، ۱۳۹۳). در این میان بازارهای مالی نقش مهمی در اقتصاد مدرن ایفا می‌نمایند و به بنگاه‌ها اجازه می‌دهند که به بودجه‌ی مورد نیاز برای دنبال کردن پروژه‌های سودمند (که خودشان به تنهایی قادر به تأمین مالی آنها نیستند) دست یابند. واسطه‌های مالی با تراز کردن بازدهی مورد انتظار و مدیریت ریسک، نقش یک خلق‌کننده‌ی پول را دارند و اثرات سیاست پولی را تقویت می‌کنند. لذا در این راستا یکی از بخش‌های بسیار مهم بازارهای مالی که جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد دارند، بانک‌ها می‌باشند که نقش عمده‌ای در کنترل فعالیت‌های اقتصادی و به

^۱ -Goldsmith

^۲ -Shaw

^۳ -McKinnon

^۴ -Levine

گردش درآوردن چرخ‌های اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می‌نمایند. شبکه گسترده بانک‌های تجاری و موسسه‌های مالی اعتباری با محوریت بانک مرکزی، حداقل سه نقش اساسی رونق مبادلات تجاری، تجهیز و تخصیص بهینه منابع و اجرای سیاست‌های پولی در اقتصاد را بر عهده دارند به شکلی که با دریافت سپرده‌ها از مردم و تلقی کردن آن به‌عنوان دارایی، آن را به دیگران قرض می‌دهند و بهره و سود آن را دریافت و به صاحبان سپرده‌ها به عنوان سود پرداخت می‌کنند. لذا بر اساس دیدگاه نگرش واسطه‌ای یا نگرش دارایی، بانک‌ها دو نقش اساسی دریافت و توزیع منابع را در جهت سهولت در امور سرمایه‌گذاری و به صورت کارا در اقتصاد برعهده دارند(نامداری و همکاران، ۱۳۸۹). در نتیجه بر اساس این دو نقش، دو وظیفه اصلی و مهم بانک‌ها، تجهیز منابع پولی(جمع‌آوری پول) و دیگری اعطای تسهیلات (توزیع پول) در نظر گرفته می‌شود. با عنایت به اینکه هر بانک برای پیشبرد عملیات خود به منابع نقدی نیازمند است عمده سیاست بانک‌ها در زمینه جمع‌آوری منابع مالی، وام‌ها و نقدینگی می‌باشد و مدیریت منابع و مصارف بخش وسیعی از فعالیت‌های سیستم بانکی از تجهیز تا تخصیص منابع را در بر می‌گیرد. لذا جذب سپرده یکی از روش‌های جمع‌آوری منابع مالی می‌باشد که در برگیرنده بخش مهمی از سیاست‌های مدیریتی بانک‌ها است و اکثر بانک‌ها در جذب سپرده‌های بیشتر با هم رقابت می‌کنند. همچنین تخصیص منابع جذب شده در بانک‌ها و اجرای سیاست‌های اعتباری برنامه‌ریزی شده موجب حداقل سازی ریسک و حداکثر نمودن بازدهی و کارایی بانک‌ها می‌گردد(البرزی و همکاران، ۱۳۹۰). در نتیجه بانک‌ها از راه تجهیز و تجمیع منابع سرمایه‌ای و تخصیص بهینه‌ی این منابع بر رشد اقتصادی اثرگذار می‌باشند یعنی شاخص‌های توسعه مؤسسات مالی بانکی بر شاخص‌های تجمیع سرمایه و بهره‌وری آن اثرگذار است و این شاخص‌ها نیز بر رشد اقتصادی مؤثر می‌باشند. نظام بانکی کارا، سرمایه را از پس‌اندازکنندگان به وام‌گیرندگان منتقل می‌نماید و به سمت پروژه‌های سرمایه‌گذاری مولد و سودآور هدایت می‌کند. هرچه بهره‌وری سرمایه‌گذاری بیشتر شود، نرخ رشد اقتصادی بالاتر خواهد رفت(فراهانی‌فرد و همکاران،

۱۳۹۴). از دیدگاه مکینون و شاو^۱ (۱۹۷۳) بانک‌ها با فراهم آوردن منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری واقعی، قادر به تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی می‌باشند. لوکاس^۲ معتقد است که نقش بازارهای مالی در رشد اقتصادی تاکنون بسیار غلوآمیز ذکر شده است. از نظر او بازارهای مالی در بهترین وضعیت خود نیز جایگاه کوچکی در رشد اقتصادی دارند (مؤتمنی، ۱۳۸۸). دیاموند^۳ (۱۹۸۴) عنوان می‌نماید که بانک‌ها از طریق تأمین نقدینگی برای سرمایه‌گذاران، پایین آوردن ریسک نقدینگی، کاهش هزینه‌های تحرک منابع و همچنین اعمال کنترل‌های مشارکتی موجب تخصیص پرتفوی به گزینه‌های سرمایه‌گذاری با بهره‌وری بیشتر می‌گردد. از نظر برانسون^۴ (۱۹۸۷) تسهیلات اعتباری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و فرصت‌های شغلی جدید تأثیرگذار است. تزریق اعتبارات پولی به جریان تولید (به‌صورت سرمایه در گردش) در کوتاه‌مدت به دلیل ثابت بودن حجم سرمایه سبب افزایش اشتغال می‌گردد اما در بلندمدت که جریان وام و اعتبار تبدیل به سرمایه ثابت می‌شود، تغییرات تکنولوژیکی را به همراه دارد که با ارتقای دانش فنی، می‌تواند عاملی در جهت رشد اقتصادی باشد (محمد نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). سنت پل^۵ (۱۹۹۲) معتقد است که بازارهای مالی کاراتر، موجب بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری و تسریع رشد اقتصادی می‌شوند (راسخی و رنجبر، ۱۳۸۸). کینگ و لوین^۶ (۱۹۹۳) در مطالعه خود دریافتند یک ارتباط مثبت میان اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین مطالعه آنان نشان می‌دهد تخصیص بهینه منابع از طریق واسطه‌گری یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی است.

^۱ - McKinnon and Shaw

^۲ - Lucas

^۳ - Diamond

^۴ - Branson

^۵ - Saint-Paul

^۶ - King and Levine

۱-۲. مرور پیشینه تجربی داخلی

نظیفی (۱۳۸۳) در پژوهش خود با عنوان توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران، سهم اعتبارات اعطا شده توسط سیستم بانکی به بخش خصوصی از GDP را به عنوان شاخص توسعه مالی انتخاب نمود و نتیجه گرفت که توسعه مالی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. دلالی اصفهانی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه خود با عنوان تاثیر واسطه های مالی بر رشد اقتصادی ایران دریافتند که رابطه بین بانک (نسبت میزان اعتبارات اعطایی توسط بانک های تجاری و تخصصی به کل اعتبارات اعطایی توسط سیستم بانکی و بانک مرکزی) و رشد اقتصادی در ایران منفی و میزان اثرگذاری آن بسیار ناچیز است. جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان تاثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی ایران دریافتند که نسبت حجم نقدینگی بر تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص توسعه مالی اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی ایران دارد. بهرامی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان تاثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از روش GMM دریافتند که اعطای اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی اثر منفی و معناداری دارد. ابونوری و تیموری (۱۳۹۲) با بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی و مقایسه بین کشورهای OECD و UMI دریافتند که شاخص های توسعه مالی بانک ها اثر منفی و معنی داری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد. فراهانی فرد و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان تاثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران تشریح نمودند که مؤسسات مالی بانکی و غیر بانکی از طریق تجمیع و تجهیز پس اندازها و با اعطای تسهیلات به متقاضیان در امر سرمایه گذاری، باعث انباشت سرمایه می گردند که این امر سبب افزایش سرمایه گذاری، افزایش تولید و بهبود رشد اقتصادی می شود. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان مطالعه تجربی توسعه کیفی نظام مالی بر رشد اقتصادی (مورد ایران) دریافتند که نسبت سپرده موثر

به عنوان توسعه کیفی نظام مالی اثر منفی بر موجودی سرمایه سرانه و به تبع آن بر رشد اقتصادی می‌گذارد.

۲-۲. مروری بر پیشینه تجربی خارجی

لوین و همکاران^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه خود با عنوان امور مالی و منابع رشد با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته، نشان دادند که توسعه مالی، بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد. ناکور و قزونی^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه خود با عنوان بازار سهام، بانک و رشد اقتصادی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ۱۱ کشور عضو منطقه منا را مورد بررسی قرار دادند نتیجه گرفتند که توسعه مالی اثر ناچیزی بر رشد اقتصادی دارد و اگر بانک‌ها را به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد، توسعه مالی بر رشد اقتصادی اثر منفی خواهد داشت. ریتاب^۳ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان توسعه بخش مالی و رشد پایدار اقتصادی در بازارهای همگرایی منطقه دریافت که توسعه بخش بانکی سبب افزایش رشد اقتصادی می‌شود. اوندرو و اوزیل دریم^۴ (۲۰۱۳) با بررسی نقش اعتبارات بانکی بر رشد محلی کشور ترکیه در دوره زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ نتیجه گرفتند که اعتبارات ارایه شده توسط بانک‌های تجاری اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. گافئو^۵ و مازوچی^۶ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان رقابت در بخش بانکی و رشد اقتصادی بر اساس اساس پنل مشاهدات بین‌المللی و استفاده از شاخص اعتبارات داخلی به بخش خصوصی

^۱ - Levine, Loayza, N and T, Beck

^۲ - Naceur, S. Ghazouni, S.

^۳ - Ritab

^۴ - Onder, Zeynab. Ozyildirim, Suheyla

^۵ - Gaffeo

^۶ - Mazzocchi

برای بخش بانکها نشان دادند که افزایش در کارایی بانکهای رانده شده به وسیله رقابت‌های شدید با رشد اقتصادی واقعی ارتباط قوی و بالایی دارد. بونگینی^۱ و همکاران(۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان توسعه مالی و رشد اقتصادی: نقش بانک‌های خارجی در کشورهای CESEE دریافتند که اعتبارات بانکی موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود. ساکسونووا^۲ و کلداب^۳(۲۰۱۷) در مطالعه ای با عنوان ارزیابی رابطه بین اقدامات بانک‌های تجاری لتونی و رشد اقتصادی دریافتند که شاخص‌های بانکی سبب افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

۳. روش تحقیق

۳-۱. تصریح مدل

اکثر تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی بر اساس تابع تولید کاب-داگلاس که توسط داگلاس^۴ و با کمک ریاضی دانی به نام کاب^۵ و بر پایه دو فرض برابر یک بودن کشش جانشینی عوامل تولید در طول زمان ثابت و همچنین سهم ثابت عوامل تولید بنا شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد(ابونوری و گرمایی،۱۳۹۴). لذا مدل مورد استفاده در این مطالعه بر اساس مدل‌های رشد درونزا و در چارچوب تابع کاب-داگلاس بوده و شبیه مدل رشد سولو^۶ به صورت رابطه (۱) است:

$$Y=A(L)^{\alpha}(K)^{(1-\alpha)} \quad (1)$$

در این معادله Y، نشان دهنده تولید کل(رشد تولید ناخالص داخلی G) است که تابعی از A تکنولوژی، L نیروی کار (بهره‌وری نیروی کار، LP^۷) و K سرمایه فیزیکی (موجودی سرمایه فیزیکی، CAP^۸)، است. همچنین A تکنولوژی تابعی از شاخص

¹ - Bongini

² - Saksonovaa

³ - Kojedab

⁴ - Douglass

⁵ - Cobb

⁶ - Solow, Robert M.

⁷ - Labor Productivity

⁸ - Capital

کارایی^۱ (EFF)، شاخص بی‌انضباطی پولی^۲ (MII)، شاخص کیفیت دارایی^۳ بانک‌ها (NPL)، سرمایه انسانی^۴ (EDU)، شاخص فلاکت^۵ (MI) و ضریب جینی^۶ (GIN) است:
است:

$$A = f(\text{EFF}, \text{MII}, \text{NPL}, \text{EDU}, \text{MI}, \text{GIN}) = A_0 \text{EFF}^{B_1} \text{MII}^{B_2} \text{NPL}^{B_3} \text{EDU}^{B_4} \text{MI}^{B_5} \text{GIN}^{B_6} \quad (2)$$

اگر از دو طرف معادله (۱) لگاریتم طبیعی گرفته شود، بصورت معادله زیر برآورد می‌گردد:

$$G_{it} = \beta_0 + \beta_1 \log \text{EFF}_{it} + \beta_2 \log \text{MII}_{it} + \beta_3 \log \text{NPL}_{it} + \beta_4 \log \text{EDU}_{it} + \beta_5 \log \text{MI}_{it} + \beta_6 \log \text{GIN}_{it} + \beta_7 \log LP_{it} + \beta_8 \log CAP_{it} + u_{it} \quad (3)$$

که در آن $\beta_0 = \log A_0$ است.

۲-۳. متغیرها و جمع آوری داده های مدل

متغیرهای مدل بصورت زیر معرفی می‌گردند:

شاخص کارایی^۷ (EFF):

در این پژوهش با استفاده از روش تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی و به کارگیری یکی از زیر شاخه‌های معیارهای سلامت بانکی با عنوان شاخص کیفیت مدیریت^۸ که بر اساس معیارهای معرفی شده توسط ایوانز^۹ و بر پایه الگوی کملز^{۱۰} در صندوق بین‌المللی پول^{۱۱} معرفی شده است^{۱۲}، کارایی بانک‌ها محاسبه می‌گردد. بر اساس این شاخص، کارایی بانک-

¹ - Efficiency Index

² - Monetary indiscipline Index

³ - Asset Quality

⁴ - Human Capital

⁵ - Misery index

⁶ - Gini Coefficient

⁷ - Efficiency Index

⁸ - Management Quality

⁹ - Evans, Owen, M. Leone, Alfredo; Gill, Mahinder and Hibers, PAUL

¹⁰ - CAMELS

¹¹ - برای مطالعه بیشتر به آدرس www.imf.org/external/np/sta/fsi/eng/fsi.htm مراجعه فرمائید.

¹² - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به مقاله احمدیان، اعظم (۱۳۹۲).

ها نسبت تسهیلات به سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی^۱ به صورت درصد در نظر گرفته شده است^۲ چون این نسبت نشان‌دهنده کارایی و توانایی سیستم مالی در استفاده استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات می باشد (ترازنامه بانک مرکزی ۱۳۸۶) و میزان کارایی بانک‌ها در جذب منابع و تخصیص آن به دارایی‌ها و میزان فعالیت بانک‌ها در امر واسطه‌گری وجوه را نشان می دهد و نحوه مدیریت و چگونگی تخصیص منابع جمع‌آوری شده از محل سپرده‌ها در اعطای تسهیلات را بیان می‌کند. همچنین شاخص کارایی، نسبتی است که ظرفیت خلق تسهیلات از محل سپرده‌ها را نشان می‌دهد یعنی افزایش این نسبت بیانگر آن است که بانک‌ها توانسته‌اند با توجه به سیاست‌های بانک مرکزی از محل سپرده‌ها، تسهیلات بیشتری را خلق نمایند و در اختیار افراد مختلف جامعه قرار دهند (احمدیان، ۱۳۹۲).

شاخص بی انضباطی پولی^۳ (MII):

"مطابق با یافته‌های نظری و توصیه‌های تجربی ثبت شده در ادبیات بانکداری، باید تا حد امکان و جز در موارد بحرانی از به کارگیری منابع بانک مرکزی به عنوان آخرین مرجع وام دهنده^۴ پرهیز شود. مهمتر آن است که منابع بانک مرکزی برای رفع موقت و نیاز مشروط نقدینگی بانک‌ها پیش بینی شده است و باید با اخذ وثیقه‌ی لازم در اختیار آنها قرار گیرد. تامین کسری مزمن منابع بانک‌ها توسط بانک مرکزی، به شکل انفعالی و بدون اخذ وثیقه، از مهمترین آسیب‌های پولی در ایران و جدی‌ترین تهدید اعمال انضباط در بازار پول است. مطابق آنچه در اقتصاد ایران در جریان است برداشت از منابع بانک مرکزی یکی از منابع در دسترس تامین کسری نقدینگی بانک‌ها است. به طور مثال بررسی آمارهای پولی در اسفند ۱۳۹۳ نشان می‌دهد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی فراتر از مبالغ سپرده قانونی تودیع شده نزد بانک مرکزی است و نرخ موثر ذخیره قانونی

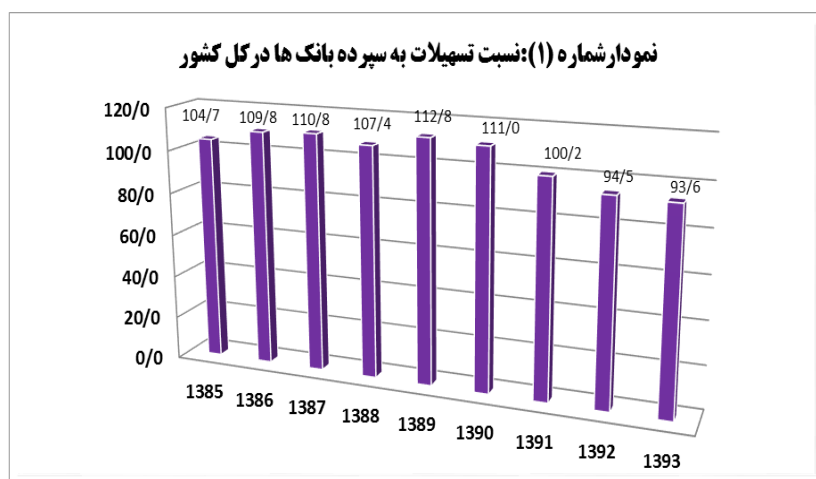
^۱ - Lone to deposit ratio

^۲ - برای محاسبه این نسبت از اطلاعات سرجمع بانک‌ها در هر استان استفاده شده است.

^۳ - Monetary Indiscipline Index

^۴ - Lender of last resort (LLR)

در عمل منفی شده است. این نتیجه به طور ضمنی نشان می‌دهد علاوه بر بازپرداخت منابع مسدود از محل سپرده‌ی قانونی بانک‌ها، منابع دیگری نیز به صورت اضافه برداشت و تسهیلات (به منظور جبران کسری منابع) به آنها پرداخت شده است^۱ (همتی، ۱۳۹۴). بر این اساس با عنایت به اینکه در مقالات و پژوهش‌های سایر محققان، تاکنون معیاری برای بی‌انضباطی پولی در نظر گرفته نشده است در این مطالعه سعی شده است برای اولین بار، شاخص بی‌انضباطی پولی با مفهوم اضافه برداشت‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی معرفی گردد لذا جهت کمی نمودن این شاخص و نشان دادن چگونگی عملکرد بانک مرکزی، نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانکی پس از کسر سپرده قانونی بر اساس سرجمع اطلاعات بانک‌های همه استان‌ها و برای کل کشور بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ محاسبه شده است که نمودار توصیفی^۱ آن به صورت زیر ارائه می‌گردد:



منبع محاسبات محقق

^۱ - با توجه به محدودیت‌های موجود در مقاله، امکان ارائه نمودار توصیفی استانی وجود نداشت لذا با میانگین گرفتن داده‌های استانی، اطلاعات کل کشور ملاک معرفی شاخص قرار گرفته است.

همانگونه که در نمودار فوق مشهود است در بیشتر سالها نسبت مذکور بالای ۱۰۰ درصد را نشان می دهد که بسیار فراتر از استانداردهای بین المللی است^۱ و حکایت از کاهش اقتدار قانونی بانک مرکزی بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ (دولت نهم و دهم) را دارد. با عنایت به اینکه بانکهای مرکزی به منظور محدود نمودن ریسک نقدینگی و جلوگیری از افزایش آن، منابع خود را فقط برای رفع کمبود نقدینگی بسیار کوتاه مدت بانکها، در اختیار آنان می گذارند و به هیچ وجه در افق فراتر از چند روز و برای جبران اعسار یا ورشکستگی بانکها، این منابع به آنان اعطا نمی گردد (همتی، ۱۳۹۴) در این مقاله سعی شده است با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور و اغماض از استانداردهای بین المللی حاکم بر سیستم بانکداری، حداکثر برداشت از حساب های مذکور، نرخ سپرده قانونی در نظر گرفته شود به عبارتی دیگر یک بانک حداکثر می توانسته است تا ۱۰۰ درصد از سپرده های خود را وام دهد یعنی برای اعداد بالای ۱۰۰ درصد، عدم رعایت قوانین و استانداردهای بین المللی بانکی از طرف بانک مرکزی صورت گرفته است. لذا در این مطالعه برای معرفی شاخص جدیدی به نام بی انضباطی پولی، با استفاده از یک متغیر مجازی، اعداد بالای ۱۰۰ درصد نسبت تسهیلات به سپرده بانک ها پس از کسر سپرده قانونی در عدد یک و اعداد زیر ۱۰۰ درصد نسبت مذکور در عدد صفر ضرب شده است و متغیر بی انضباطی پولی (MII) به درصد محاسبه گردیده است .

موجودی سرمایه فیزیکی^۲ (CAP):

با عنایت به اینکه به دلیل مشکلات فنی و اجرایی، موجودی سرمایه برای استانهای کشور محاسبه نشده است و در اکثر پژوهشها به جای این متغیر، متغیرهای جایگزینی از قبیل بودجه عمرانی یا تسهیلات استانی و ... استفاده گردیده است در این مقاله برای اولین بار سعی شده است با استفاده از اطلاعات و آمار موجود کشور، از روشی جدید^۳

^۱ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به اسفندیاری، مرضیه، اکبری، طاهره، (۱۳۹۱).

^۲ - Capital

^۳ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به امینی و نشاط (۱۳۸۴).

برای برآورد موجودی سرمایه استانی استفاده گردد. در این روش برای محاسبه موجودی سرمایه استانی، ابتدا با استفاده از جدول تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کل کشور که توسط اداره حساب‌های بانک مرکزی محاسبه می‌شود، سهم بخش خصوصی و دولتی از تشکیل سرمایه محاسبه شده است، سپس سهم های مذکور در آمار موجودی سرمایه اقتصاد ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ (محاسبه شده توسط بانک مرکزی) ضرب گردیده است و سهم بخش خصوصی و دولتی از موجودی سرمایه کل کشور بدست آمده است. در ادامه با استفاده از آمار ارزش افزوده استانی مرکز آمار، سهم ارزش افزوده هر استان از ارزش افزوده کل کشور محاسبه گردیده است و برای محاسبه موجودی سرمایه بخش خصوصی هر استان، این سهم در موجودی سرمایه بخش خصوصی کل کشور ضرب شده است. همچنین، آمار بودجه عمرانی استانی مرکز آمار نیز، سهم بندی شده و سهم هراستان از بودجه عمرانی بدست آمده است. سپس سهم بودجه عمرانی هر استان در موجودی سرمایه بخش دولتی کل کشور ضرب شده است و موجودی سرمایه بخش دولتی هر استان محاسبه گردیده است. در نهایت موجودی سرمایه بخش دولتی و بخش خصوصی استانی با هم جمع شده و موجودی سرمایه استانی برآورد گردیده است که برآورد صورت گرفته هیچگونه اریبی با موجودی سرمایه کل کشور ندارد.

در این پژوهش برای محاسبه شاخص کیفیت دارایی^۱ (NPL) که یکی از زیر شاخه های شاخص های سلامت بانکی است، از شاخص نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی^۲ به صورت درصد استفاده شده است. برای معرفی شاخص سرمایه انسانی^۳، از نرخ باسوادی^۴ به عنوان نماینده شاخص آموزش (EDU) استفاده گردیده است. ضمناً^۵ شاخص بهره‌وری نیروی کار (LP) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰، که از تقسیم ارزش

^۱ -Asset Quality

^۲ - Non-Performing Loans (NPLs)

^۳ -Human Capital Index

^۴ - Literacy rate

^۵ - Labor Productivity

افزوده استان‌ها به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ بر تعداد نیروی شاغل هر استان محاسبه می‌گردد، معرف نیروی کار می‌باشد. در این مطالعه برای ارزیابی اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی استان‌ها، از ضریب جینی استانی (GIN) و همچنین شاخص فلاکت^۱ (MI) استانی (مجموع دو متغیر نرخ تورم و بیکاری استان‌ها) استفاده شده است. رشد اقتصادی استان‌ها (G)، تولید ناخالص داخلی استان‌ها به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ است: نماد u جمله خطا، i و t نشان‌دهنده استان و زمان هستند. اطلاعات لازم در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ برای ۳۰ استان جمع‌آوری شده است: داده‌های مرتبط با رشد اقتصادی، نرخ باسوادی، بهره‌وری نیروی کار و ضریب جینی از مجموعه داده‌های آمار مرکزی و آمار و اطلاعات مربوط به کارایی و کیفیت دارایی بانک‌ها و بی‌انضباطی پولی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دریافت شده است و لگاریتم موجودی سرمایه استانی و شاخص فلاکت بر اساس اطلاعات مرکز آمار و بانک مرکزی محاسبه گردیده است. جدول (۱)

نتایج آمار توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد:

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

	G	EFF	MI ²	NPL	EDU	LP	MI	GIN	CAP
Mean	۴/۴۶	۱۲۷/۵۴	۱۰۷/۲۰	۱۰/۷۸	۸۱/۶۶	۲۹۲/۰۴	۳۱/۸۹	-/۳۷۰	۵۵۳۹۳۱
Median	۳/۸۸	۱۲۳/۹۴	۱۲۳/۹۴	۱۰/۵۰	۸۱/۸۲	۱۹۰/۲۴	۲۹/۶۵	-/۳۷۲	۳۳۳۵۴۷
Maximum	۸۶/۷۹	۲۳۴/۹۰	۲۳۴/۹۰	۲۱/۵۰	۹۷/۰۱	۱۶۳۷/۷۲	۵۳/۷۰	-/۴۸۱	۴۰۶۰۶۴۵
Minimum	-۳۲/۲۱	۵۹/۸۸	۰	۳/۸۴	۵۷/۳۲	۹۶/۳۸	۷/۸۰	-/۱۴۱	۸۶۴۰۵
Std. Dev.	۱۱/۹۰	۳۵/۳۲	۶۵/۲۸	۳/۴۰	۵/۸۹	۲۶۸/۳۸	۸/۹۶	-/۰۵۱	۶۶۵۲۵۰
Observations	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰

منبع: محاسبات با استفاده از نرم‌افزار ۱۰ EVIEWS

طبق جدول (۱) متوسط متغیرهای رشد اقتصادی استان‌ها ۴۰۴۶ درصد، شاخص کارایی ۱۲۸ درصد، کیفیت دارایی ۱۰۰۸ درصد، نرخ باسوادی ۸۲ درصد، شاخص فلاکت ۳۲

^۱ - Misery index

^۲ - اگرچه ارقام کارایی بانک‌ها برای هر استان متفاوت و از حدود ۶۰ درصد تا ۲۳۵ درصد متغیر است، اما وجود همخطی بین دو متغیر کارایی و بی‌انضباطی پولی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

اثرات کارایی بانکی و انضباط پولی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران.....

۱۶۹.....

درصد، بی انضباطی پولی ۱۰۷ درصد، ضریب جینی ۰.۳۷، بهره وری نیروی کار ۲۹۲.۰۴ واحد و متوسط موجودی سرمایه استانی ۵۵۳۹۳۱ میلیارد ریال بوده است.

۴. برآورد مدل

برای برآورد مدل، ابتدا جهت بررسی ایستایی متغیرها از آزمون ریشه واحد^۱ استفاده گردید که نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو^۲ (LLC) برای تمام متغیرهای مورد استفاده نشان داد که همه متغیرها در سطح ایستا هستند. در ادامه به منظور برآورد معادله (۱) ابتدا آزمون F لیمر برای تعیین نوع روش برآورد (حداقل مربعات معمولی یا پنل دیتا) انجام شد با توجه به میزان آماره F محاسبه شده فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد شد و نتایج نشان داد که باید عرض از مبداهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی استفاده گردید نتایج حاکی از تأیید روش اثر ثابت بود لذا مدل پژوهش به روش اثر ثابت برآورد گردید که نتایج مربوط به آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج برآورد تأثیر کارایی بانکی و بی انضباطی پولی بر رشد اقتصادی استان‌ها - متغیر وابسته (رشد اقتصادی)

Variable	Coefficient	t-Statistic	Prob.
EFF	-۰/۰۱۰۹۵۶	-۲۳/۱۶۰۹۵	۰/۰۰۰۰
MII	-۰/۰۰۰۵۱۵	-۲/۱۲۸۸۵۶	۰/۰۳۴۳
NPL	-۰/۰۲۲۸۶۵	-۱۰/۷۰۳۳۴	۰/۰۰۰۰
LP	۰/۰۰۰۸۵۶	۱۰/۰۵۶۴۳	۰/۰۰۲
LCAP	۰/۰۳۲۵۸۶	۳/۱۱۹۴۴۱	۰/۰۰۲۰
EDU	-۰/۰۸۸۷۶۹	-۵۲/۷۶۷۷۴	۰/۰۰۰۰
MI	-۰/۰۱۲۳۵۴	-۱۵/۳۶۳۹۰	۰/۰۰۰۰
GIN	-۲/۴۸۷۴۵۸	-۱۳/۹۲۴۴۹	۰/۰۰۰۰
C	۹/۸۳۳۰۶۲	۴۶/۱۶۷۴۴	۰/۰۰۰۰

^۱ - Unit Root Test

^۲ - LLC Unit Root Tests Result for Variables

F-statistic	۵/۸۹۰۴۸۰	۰/۰۰۰۰
F_{test}	F(29,224)= ۱/۸۳۷۹۶۴	۰/۰۰۷۸
Htest	CHISQ(8)= ۹۹/۹۶۸۳۶۳	۰/۰۰۰۰
R-squared	۰/۴۸۴۳۸۵	-
Adjusted R-squared	۰/۴۰۲۱۵۳	-

منبع : محاسبات با استفاده از نرم افزار ۱۰ EViews

نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) در استان‌ها به روش اثرات ثابت در جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده و بر رشد اقتصادی استان‌های ایران اثرگذار می‌باشند تفسیر نتایج متغیرها به شرح ذیل است :

❖ شاخص کارایی بانک‌ها به عنوان متغیر اصلی پژوهش که انتظار می‌رفت بر اساس نقش های اصلی بانک یعنی دریافت منابع و توزیع مناسب و کارای منابع مذکور در جهت سهولت سرمایه گذاری در اقتصاد، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد برعکس، اثر منفی و معناداری داشته است. به عبارت دیگر فرضیه مربوط به ارتباط مثبت و معنادار میان کارایی بانک‌ها و رشد اقتصادی در استان‌های کشور ایران پذیرفته نمی‌شود. نتایج نشان می‌دهد در صورت ثابت بودن سایر عوامل، اگر کارایی بانک‌ها یک درصد افزایش یابد رشد اقتصادی استان‌ها به طور متوسط ۰.۰۱۱ درصد کاهش می‌یابد لذا استنباط می‌گردد که سیاست‌های کلان بانکی در ایران جهت سوق دادن اعتبارات اعطایی به بخش‌های مولد و کارآفرین و مؤثر در رشد اقتصادی، موفق نبوده و عملاً در تحریک رشد اقتصادی ناتوان بوده است زیرا نحوه پرداخت اعتبارات چه از نظر مبلغ و چه از نظر وام گیرنده، از سوی نظام بانکی به درستی صورت نمی‌گیرد و عملاً اعتبارات اعطایی در سرفصل وام های ارائه شده هزینه نمی‌شود به طور مثال و بر اساس شواهد تجربی، وام‌های خرید کالا در سیستم بانکی که در بسته‌های سیاستی بانک مرکزی، جهت تحریک سمت تقاضا مد نظر قرار گرفته است، در زمان عملیاتی شدن، دقیق اجرا نمی‌گردد و به جای اینکه کالا از منابع خرده فروشی عملاً خریداری شده و فاکتور جهت بانک صادر گردد، فقط با دریافت پیش فاکتور از مشتری و بدون فروش واقعی

کالا و بدون نظارت بانک، به مشتریان پرداخت می‌گردد متأسفانه این نوع عملکرد در بخش‌های دیگر از قبیل صنعت، کشاورزی و خدمات نیز وجود دارد لذا عملاً "اعتبارات پرداختی در زمینه تولید استفاده نشده و در بازارهای دیگر موجب سفته بازی می‌گردد بر این اساس تخصیص نابهینه منابع منجر به کاهش کارایی سرمایه‌گذاری و به دنبال آن موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. با بررسی مطالعات داخلی و خارجی می‌توان دریافت که در هیچ کدام از مطالعات انجام شده از شاخص کارایی با مفهوم ارائه شده در این مقاله برای معرفی توسعه بخش بانکی استفاده نشده است اما از نظر اینکه شاخص کارایی یکی از زیرشاخه‌های توسعه بخش بانکی می‌باشد می‌توان گفت که نتایج حاصل از این پژوهش برای این متغیر با تحقیقات نظیفی (۱۳۸۳)، دلالی اصفهانی و همکاران (۱۳۸۷)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۱)، ابونوری و تیموری (۱۳۹۲)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)، ناکور و قزونی (۲۰۰۷) همگرا بوده و مشابه است اما نتیجه این متغیر با مطالعات دیگر از قبیل جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸)، لوین و همکاران (۲۰۰۰)، ریتاب (۲۰۰۷)، زینب و سهیلا (۲۰۱۳)، گافئو و مازوچی (۲۰۱۴)، بونگینی و همکاران (۲۰۱۷)، ساکسونووا و کلداب (۲۰۱۷) متفاوت می‌باشد.

❖ همانطور که انتظار می‌رفت شاخص بی‌انضباطی پولی اثر منفی و معنی داری را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد به طوریکه با ثابت بودن سایر عوامل، اگر بی‌انضباطی پولی یک درصد افزایش یابد رشد اقتصادی کاهش کمی (به طور متوسط معادل ۰.۰۰۰۵۲ درصد) خواهد داشت. این نتیجه، فرضیه بی‌انضباطی پولی اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌های ایران دارد، مورد تأیید قرار می‌دهد. هم جهت شدن نتایج دو متغیر شاخص کارایی و بی‌انضباطی پولی، منعکس کننده تسلط سیاست مالی دولت بر سیاست های پولی بانک مرکزی است و ضعف در مدیریت نظام مالی و ساختار کنونی روابط بانک مرکزی با شبکه‌ی بانکی در ایران در اعمال نظارت بر بانک ها و کنترل پایه پولی را نشان می‌دهد که از علل اصلی آن، می‌توان به سیاست‌های مالی دولت و

کسری پنهان بودجه، ناترازی منابع و مصارف بانک ها، سیاست‌های نظارتی و کاستی اقتدار قانونی بانک مرکزی در قبال اضافه برداشت بانک‌ها اشاره نمود.

❖ ضریب نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی به عنوان شاخص کیفیت دارایی بانک‌ها منفی و از لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر اگر نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات یک درصد افزایش یابد به طور متوسط رشد اقتصادی استان‌ها ۰.۰۲۳ درصد کاهش می‌یابد. درحقیقت نتایج نشان می‌دهد معوق شدن مطالبات بانک‌ها و عدم پرداخت اقساط توسط مردم، باعث افزایش هزینه‌ها و بلوکه شدن قسمتی از منابع بانک‌ها شده است، همچنین این امر موجب کاهش دفعات گردش مطالبات و افزایش دوره وصول مطالبات، عدم امکان برنامه‌ریزی دقیق و مؤثر در بانک‌ها گشته است و باعث افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها و کاهش توانایی پاسخگویی (ارائه خدمات) به مشتریان گردیده است. ضمناً "معوق شدن مطالبات بانکی، موجب ایجاد اختلال در گردش وجوه نقد، اتلاف وقت و منابع بانک‌ها و در نتیجه ناتوانی بخش تولیدی از بازپرداخت اقساط و به دنبال آن رکود بیشتر بخش تولیدی کشور و کاهش رشد اقتصادی شده است. نتایج حاصل از این متغیر با مطالعه اسپینوزا و پراساد^۱ (۲۰۱۰) و مهدی زاده (۱۳۹۲) مطابقت دارد.

❖ شاخص بهره‌وری نیروی کار اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد به عبارت دیگر با ثابت بودن سایر عوامل، با افزایش یک واحد بهره‌وری نیروی کار رشد اقتصادی افزایش بسیار کمی پیدا می‌کند. نتیجه بدست آمده اهمیت بهره‌وری و کیفیت نیروی کار را در ایران نشان می‌دهد، یعنی اینکه سرمایه‌گذاری بر عوامل تاثیرگذار بر بهره‌وری نیروی کار از قبیل سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، منابع طبیعی و مواد خام و فن آوری‌های جدید و کارآمد، می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار و افزایش در

¹ - Espinoza and Prasad

رشد اقتصادی گردد. این نتیجه با مطالعه عاشورزاده (۱۳۹۲) و کورماز^۱ (۲۰۱۷) سازگار است.

❖ نتایج نشان می‌دهد ضریب موجودی سرمایه اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد به عبارتی دیگر می‌توان گفت اگر موجودی سرمایه یک درصد افزایش یابد، رشد اقتصادی استان‌ها به طور متوسط معادل ۰/۰۳۳ درصد افزایش پیدا می‌کند. نتایج این مطالعه جهت این متغیر با پژوهش‌های عاشورزاده (۱۳۹۲) و بهرامی و همکاران (۱۳۹۱) و راسخی و رنجبر (۱۳۸۷) سازگار است.

❖ شاخص آموزش تأثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد به عبارت دیگر با ثابت بودن سایر عوامل اگر درصد باسوادی یک درصد افزایش یابد، رشد اقتصادی استان‌ها به طور متوسط ۰/۰۹ درصد کاهش می‌یابد. نتیجه قابل تامل این متغیر حکایت از کاسته شدن کیفیت مدارک تحصیلی و غیر هدفمند بودن نظام آموزشی کشور را دارد و نشان می‌دهد افزایش سواد و سطح تحصیلات و سیاست‌گذاری آموزش و پرورش و وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری در زمینه رشته‌های مختلف نتوانسته است بر رشد اقتصادی کشور اثر مثبتی بگذارد. نتیجه این مطالعه با نتایج تحقیقات بن‌حیب و اسپینگل^۲ (۱۹۹۴) و ایسلام^۳ (۱۹۹۵)، کاسیلی و همکاران^۴ (۱۹۹۶) و جلال آبادی و بهرامی (۱۳۸۹) سازگار است.

❖ ضریب شاخص فلاکت نیز اثر منفی بر رشد اقتصادی استان‌ها داشته است که از لحاظ آماری نیز معنی‌دار است به عبارت دیگر، اگر یک درصد به شاخص فلاکت اضافه شود رشد اقتصادی استان‌ها به طور متوسط معادل ۰/۰۱۲ درصد کاهش می‌یابد. نتایج

¹ - Korkmaz,s & Korkmaz,o

² -Benhabib & Spigel

³ - Islam

⁴ - Caselli, Squivel & Lefort

این شاخص نشان می دهد که تورم فزاینده در کنار بیکاری موجب افزایش هزینه های اقتصادی کشور و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی شده است .

❖ بر اساس نتایج برآوردی مدل، ضریب جینی اثر منفی و معنی داری بر رشد اقتصادی استان ها داشته است به عبارت دیگر، نتیجه این متغیر بیان می کند که اگر ضریب جینی افزایش یابد فاصله طبقاتی بین اقشار مختلف کشور افزایش یافته و موجب کاهش رشد اقتصادی استان ها می گردد.

❖ همچنین مقدار ضریب تعیین در مدل نشان می دهد که بیش از ۴۸ درصد از تغییرات رشد اقتصادی در استان ها توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادات

در این مقاله بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی میزان تأثیرگذاری کارایی بانک ها و بی انضباطی پولی بر رشد اقتصادی استان های ایران برآورد و تفسیر شده است. در این راستا مدل منطبق با نظریه های اقتصادی با استفاده از داده های پنل به روش اثرات ثابت، در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ برآورد گشته است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می دهد:

شاخص کارایی بانک ها، بی انضباطی پولی، کیفیت دارایی بانک ها (نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی)، شاخص فلاکت، ضریب جینی و درصد باسوادی اثر منفی و متغیرهای موجودی سرمایه استانی و بهره وری نیروی کار اثر مثبت بر رشد اقتصادی استان ها داشته است.

با توجه به اثر منفی متغیر اصلی مدل یعنی شاخص کارایی بانک ها بر رشد اقتصادی می توان گفت مشکل اساسی ساختار فعلی بانک های کشور، روابط بانک مرکزی با شبکه ی بانکی و دولت در بخش های مختلف مانند سیاست گذاری و نظارت می باشد لذا می توان گفت نتیجه این متغیر نشان می دهد اگرچه کارایی بانک ها از دیدگاه منابع و مصارف افزایش یافته است اما اعتبارات پرداختی، به متقاضیان تسهیلاتی که اثرگذاری

بیشتری بر رشد اقتصادی دارند، پرداخت نشده است و یا تسهیلات پرداختی توسط وام گیرنده در زمینه اصلی تعریف شده برای آن تسهیلات، هزینه نشده است لذا پیشنهاد می‌شود در مرحله اول ساختار چگونگی پرداخت تسهیلات به مشتریان در نظام بانکی مورد بازنگری قرار گیرد و در مراحل بعدی نظارت و بازرسی از چگونگی مصرف تسهیلات پرداختی توسط مشتریان در زمینه درخواست شده با شدت و پی‌گیری بیشتری مد نظر قرار گرفته و انجام شود.

همچنین اثر منفی بی انضباطی پولی بر رشد اقتصادی نیز حکایت از عدم اقتدار و استقلال بانک مرکزی و کسری بودجه و بی انضباطی مالی دولت دارد بنابراین، انجام اصلاح ساختار بانکی کشور و اصلاح روابط فی مابین دولت و بانک مرکزی جهت افزایش استقلال بانک مرکزی ضروری تلقی می‌گردد.

همچنین اثر منفی شاخص آموزش بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد که افزایش درصد باسوادی مردم نتوانسته است بر رشد اقتصادی اثر گذار باشد بر اساس نظر پریچت^۱ (۱۹۹۹) بازدهی نهایی آموزشی وقتی تقاضا برای نیروی کار آموزش دیده را کم می‌ماند، به سرعت کاهش می‌یابد و عدم برنامه‌ریزی دقیق در زمینه آموزش در نهایت موجب می‌شود تا نیروی آموزش دیده نتواند بر رشد اقتصادی اثر گذار باشد^۲. نتایج نشان می‌دهد که برنامه ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه آموزش برای فرزندان این کشور، در راستای تامین شغل آینده آنان نبوده است لذا بازنگری در سیاست کلی نظام آموزشی کشور و هدفمند کردن آن ضروری به نظر می‌رسد.

منابع:

- Abounoori, A., Teimoori, M. (2013). The Effect of Financial Development on Economic Growth: Comparison between OECD

^۱ - Pritchett

^۲ - برای مطالعه بیشتر به مقاله جلال آبادی و بهرامی (۱۳۸۹) مراجعه فرمایید.

- and UMI Countries, *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 3 (11):29-40.
- Abounoori, E., Garmabi, A. (2016). The Contribution of the Worker from Production and its Effect on Economic Growth in Iran, *Journal of Economic Research (Tahghighat-e-Eghtesadi)*, 51 (1):1-24.
 - Ahmadian, A. (1392). Evaluation of Bank Health Indicators in Iranian Banks (2011-2012), *Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran*, Paper MBRI9222, winter.
 - Alborzi, M., Pourzarandi, M.E., Shahriari, M. (2011). Managing Resources and Costs in Banks with a Dynamic Systems Approach, *Journal of Financial Engineering and Portfolio Management of Securities*, 6:41- 59.
 - - Amini, A., Neshat, M. (2005). Estimation of Capital Time in the Economy of Iran during the Period 1952-2002. *The Journal of Planning and Budgeting*, 10 (1):53-86.
 - Ashourzadeh, A. (2013). Investigating the Effects of Capital Stock and Labor Productivity on Economic Growth. *The First National Electronic Conference on Future Perspective of Iran's Economy with the Approach to Supporting National Production*, Islamic Azad University, Khorasgan Branch.
 - http://www.civilica.com/Paper-NCFPIE01-NCFPIE01_009.html
 - Bahrami, J., Pahlavani, M., Jansooz, (2013). The Effect of Bank Credits on Economic Growth in Selected Developing Countries Using the GMM Method, *Journal of Monetary and Banking Research*, 6 (15):77-96.
 - Benhabib, J., M., Spiegel, (1994). The Role of Human Capital in Economic Development: Evidence from Aggregate Cross-Country Data, *Journal of Monetary Economics*, 34:143-173.
 - Bongini, P., Iwanicz-Drozowska, M., Smaga, P., & Witkowski, B. (2017). Financial Development and Economic Growth: The Role of Foreign-Owned Banks in CESEE Countries. *Sustainability*, 9(335):1-25.
 - Caselli, F., G., Esquivel, F., Lefort, (1996). Reopening the Convergence Debate: A New Look at Cross-Country Growth Empirics, *Journal of Economic Growth*, 1(3):89-363.

- Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Balance Sheet (2007).
- Dalali Isfahani, R., Barzani, M.V, Rafiei Karahroodi, R. (2008), The Effects of Financial Intermediaries on Iran's Economic Growth, *Quarterly Journal of Executive Management*, 8(28):13-30.
- Dargahi, H., Ghadiri, Amrullah (2003). Analysis of the determinants of Iran's economic growth (review of the internal growth patterns), *Quarterly Journal of Trade Studies*, (26):1-33.
- Diamond, Douglas W. (1984). Financial Intermediation and Delegated Monitoring, *The Review of Economic Studies*, 51(3):393 – 414.
- Ebrahimi, B., Barzani, M.V., Dallali Isfahani, R., Fakhari, M. (2016). The empirical study of the effect of qualitative development of financial system on economic growth (Case of Iran), *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 6 (22):71-84.
- Ehsani, M.A., Izadi, R., Kordtabar, H., (1393). The Effect of Stock Market Development on Economic Growth Case Study in 8D Countries, *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 2 (6):105-122.
- Esfandiari, M., Akbari, T. (2012). Overdrawing from Central Bank Resources, *Quarterly Journal of Tazehaye Eghtesad*, 10 (138):53-54.
- Espinoza, R., Prasad, A. (2010). Nonperforming Loans in the GCC Banking Systems and their Macroeconomic Effects, *IMF Working Paper*, 10(224):1-24.
- Farahani Fard, S., Fashari, M., Khanzadeh, y. (1394). The Effect of Islamic Banking and Non-Banking Financial Institutions on Iran's Economic Growth (GMM Method), *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 9 (31):21- 41.
- Gaffeo, E., Mazzocchi, R. (2014). Competition in the Banking Sector and Economic Growth:Panel-Based International Evidence, *DEM Discussion Papers [online]*:1-14.
- Hemmati, M. (2015). Managing Debt of Banks to Central Bank is a prerequisite for the realization of a single-digit inflation rate,

Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran.

<http://mbri.ac.ir/?PageName=News&ID=181809&Language=1>

- Islam, N. (1995). Growth Empirics:A Panel Data Approach, *Quarterly Journal of Economics*, 110(4):1127-70.
- Jafari Samimi, A., Farhang, S., Rostamzadeh, M., Mohammadzadeh, M. (2009). The Effect of Financial Development and Trade Liberalization on Economic Growth in Iran, *Quarterly Journal of the Economic Research*, 9 (4):1-21.
- Jafari Samimi, A., Kardgar, I. (2007). Development of Insurance and Economic Growth Theoretical and Experimental Analysis in Iranian Economy, 1959-2004, *Quarterly Journal of Trade Studies*, (45):85-113.
- Jalal Abadi, A., Bahrami, J. (2010). Determinants of Economic Growth in Different Countries (New Approach to Economic Growth Determinants), *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, (7) 1):23-51.
- King, Robert G., Levine, Ross (1993). Financial Intermediation and Economic Development, in *Financial Intermediation in the Construction of Europe*. Eds.: Colin Mayer and Xavier Vives. London: *Centre for Economic Policy Research*, 89-156.
- Korkmaz, S., Korkmaz, O. (2017). The Relationship between Labor Productivity and Economic Growth in OECD Countries, *International Journal of Economics and Finance*, 9(5):71-76.
- Levine, R, Loayza, N and T, Beck. (2000). Financial Intermediation and Growth:Causality and Causes, *Journal of Monetary Economics*. *Econ*, 46:31-77.
- Mahdizadeh, S. (2013). Estimation of contractual effects of banks' non-interest claims on economic growth using feedback approach, 23rd Annual Polygraphy Policy Conference, Monetary and Banking Research Institute.
<http://conf.mbri.ac.ir/conf23/UserFiles/file/articles23.pdf>

- McKinnon, R., Shaw, E. D. (1973). Money and Capital in Economic Development Washington: The Brooking Institute, World Development, 2(3):87-88.
- Mohammadi, T., Salmani, M. R. (2004). Endogenous Growth Pattern Test for Iran's Economy Based on VAR Approach, Economic Research, 4 (4):169-196.
- Mohammadnejad, N., Phetros, M.H., Masoumi, M.R. (2014). Analysis of the Relationship between Banking Credit and Economic Growth, Quarterly Journal of Financial Monetary Economics, New Period, 22 (10):1-21.
- Mohammadzadeh Asl, N. (2002). Neoclassical Growth Theory Test, Quarterly Journal of Economic Research, 3 (6):73-100.
- Mo'tamani, M. (2009), A Study of the Relationship between Financial Development and Economic Growth in Iran, Commercial Surveys, New Volume-7, (34):59-66.
- Naceur, S., Ghazouni, S. (2007). Stock markets, banks, and economic growth: Empirical evidence from the MENA region, Research in International Business and Finance, 21:297-315.
- Namdari, R., Eghbali, A., Yousefi, R. (2010). Evaluation of Efficiency in Iranian State Banks Using DEA, Journal of Financial Studies, 7:97-121.
- Nazifi, F. (2004), Financial Development and Economic Growth in Iran, Economic Research, 4 (3):97-130.
- Nili, Masoud, Rastad, M. (2002). Financial Development and Economic Growth Comparison of Oil and East Asian Countries, Quarterly Journal of Program and Development, Management and Planning Education and Research Institute, 3 (4):138-159.
- Rassekhi, S., Ranjbar, O. (2009). The Effect of Financial Development on Economic Growth of the Members of the Organization of the Islamic Conference, Quarterly Knowledge and Development, 16 (27):1-22.
- Oks, A. (2001). Efficiency of the Financial Intermediaries and Economic Growth in CEEC, Working Paper, Tartu University, 8:1-31.
- Önder, Z. Özyıldırım, S. (2013). Role of Bank Credit on Local Growth: Do Politics and Crisis Matter? *Journal of Financial Stability*, (9):13-25.

- Ritab,S. Al-Khouri, (2007). Financial Sector Development and Sustainable Economic Growth in Regionally Co-Integrated Emerging Markets, *Advances in Financial Economics*, 12:345-360.
- Saksonova, S., Koleda, O. (2017). Evaluating the Interrelationship between Actions of Latvian Commercial Banks and Latvian Economic Growth, *Procedia Engineering*, 178:123-130.